بسم الله الرحمن الرحيم

پروژه سوم درس سیستم عامل دکتر کارگهی

محمد امین توانایی - ۸۱۰۱۰۱۳۹۶ سید علی تهامی - ۸۱۰۱۰۱۳۹۷ مهدی وجهی - ۸۱۰۱۰۱۵۵۸

فهرست

4	سوال ۱
	سوال ۲
5	سوال ۳
5	سوال ۴
6	سوال ۵
6	سوال ۶
6	سوال ۷
7	سوال ۸
7	سوال ۹
8	سوال ۱۰
8	سوال ۱۱
8	سوال ۱۲
8	سوال ۱۳:
	سوال ۱۴:
9	سوال ۱۵:
9	سوال ۱۶:
9	سوال ۱۷:
	سوال ۱۸:
11	پياده سازي
	تنظیم کوانتوم زمانی RR
	سوال ۱۹
12	SJF
13	Fifo
	Aging
	تغيير صف
	تجميع
	Time slicing
	هندل کردن اتمام زودتر از موعد
	سوال ۲۰۲۰ سوال
	سوال ۲۱

عامل	سيستم	درس	سوم	پروژه	3

سوال ۲۲

```
process state = state.\(\)

process number = pid.\(\foats \)

Memory limits = sz .\(\tilde{\Pi}\)

list of open file = ofile.\(\foats \)

program counter = context-> eip.\(\Delta\)
```

سوال ۲

Runnable -> ready
Running -> running
Sleeping -> waiting
Zombie -> terminate
Embryo -> new

```
fork(void)
 struct proc *np;
struct proc *curproc = myproc();
 // Allocate process.
if((np = allocproc()) == θ){
                                                                                                        userinit(void)
  if((np->pgdir = copyuvm(curproc->pgdir, curproc->sz)) == θ){
                                                                                                          p = allocproc();
    np->kstack = 0;
    np->state = UNUSED;
                                                                                                          initproc = p;
if((p->pgdir = setupkvm()) == 0)
                                                                                                          panic("userinit: out of memory?");
inituvm(p->pgdir, _binary_initcode_start, (int)_binary_initcode_size);
 np->sz = curproc->sz:
  np->parent = curproc;
                                                                                                          p->sz = PGSIZE;
memset(p->tf, 0, sizeof(*p->tf));
  *np->tf = *curproc->tf;
                                                                                                          p->tf->cs = (SEG_UCODE << 3) | DPL_USER;
p->tf->ds = (SEG_UDATA << 3) | DPL_USER;</pre>
  np->tf->eax = 0:
                                                                                                          p->tf->es = p->tf->ds;
p->tf->es = p->tf->ds;
p->tf->ss = p->tf->ds;
p->tf->eflags = FL_IF;
  for(i = 0; i < NOFILE; i++)</pre>
                                                                                                          p->tf->esp = PGSIZE;
p->tf->eip = 0; // beginning of initcode.S
       np->ofile[i] = filedup(curproc->ofile[i]);
  np->cwd = idup(curproc->cwd);
                                                                                                          safestrcpy(p->name, "initcode", sizeof(p->name));
p->cwd = namei("/");
 pid = np->pid;
                                                                                                          // run this process. the acquire forces the above
// writes to be visible, and the lock is also needed
// because the assignment might not be atomic.
acquire(&ptable.lock);
 acquire(&ptable.lock);
 np->state = RUNNABLE;
                                                                                                          p->state = RUNNABLE;
 release(&ptable.lock):
                                                                                                          release(&ptable.lock);
```

اگر پردازه init باشد توسط userinit این کار صورت میگیرد در غیر اینصورت اینکار توسط تابع fork انجام خواهد گرفت.

در ابتدا پردازه به حالت EMBRYO رفته و سپس به حالت runnable میرود دقیقا مثل همان چیزی که در شکل کتاب گفته شده است.

سوال ۴

```
#define NPROC 64 // maximum number of processes
#define KSTACKSIZE 4096 // size of per-process kernel stack
#define NCPU 8 // maximum number of CPUs
#define NOFILE 16 // open files per process
#define NFILE 100 // open files per system
#define NINODE 50 // maximum number of active i-nodes
#define NDEV 10 // maximum major device number
#define ROOTDEV 1 // device number of file system root disk
#define MAXARG 32 // max exec arguments
#define MAXOPBLOCKS
#define LOGSIZE (MAXOPBLOCKS*3) // max data blocks in on-disk log
#define NBUF (MAXOPBLOCKS*3) // size of disk block cache
#define FSSIZE 1000 // size of file system in blocks
```

تعداد پردازه های قابل خلق به اندازه NPROC است که در اینجا ۶۴ است.

```
struct {
   struct spinlock lock;
   struct proc proc[NPROC];
} ptable;
```

در این حالت در آرایه ای از proc ها که در ptable نگه داری میشود استیت اولیه همه پردازه ها UNSEND است و وقتی پردازه جدیدی ایجاد میشود در ایندکس بعد جایی که یکی از عناصر آرایه runnable است پردازه جدید نیز اضافه شده و به حالت runnable میرود.حال چون تا ایندکس ۶۴ حلقه ادامه پیدا میکند اگر نتواند در آن آرایه جای خالی پیدا کند(به این معنا که همه ۶۴ پردازه در حالت runnable باشند تابع allocproc صفر بر میگرداند و اگر صفر برگرداند تابع fork نیز با برگرداندن عدد ۱- به کاربر اطلاع میدهد که نمیتواند پردازه جدید ایجاد کند.

سوال ۵

اگر قبل از حلقه ptable را lock نکنیم ممکن است بصورت concurrent توسط kernel مورد دسترسی قرار بگیرد و دیتای آن عوض شود یا اینکه ممکن است حین schedule پردازه جدیدی وارد شود و در صورتی که نباید در زمانبندی شرکت داشته باشد شرکت داده میشود. همچنین ممکن است با قسمت های دیگه که با این داده کار می کنند و می خواهند روی آن کار کنند همروندی رخ دهد و مشکلاتی در داده به وجود بیاورد.

سوال ۶

در iteration بعدی، چون ساختار داده ptable توسط برنامه ریز قفل شده است.

سوال ۷

```
struct context {
  uint edi;
  uint esi;
  uint ebx;
  uint ebp;
  uint eip;
};
```

Context -> eip

```
scheduler(void)
 # Context switch
                                                                                    struct proc *p;
struct cpu *c = mycpu();
      void swtch(struct context **old, struct context *new);
# Save the current registers on the stack, creating # a struct context, and save its address in *old.
# Switch stacks to new and pop previously-saved registers.
                                                                                      // Loop over process table looking for process to run. \mbox{acquire}(\mbox{\bf \&ptable.lock});
 .globl swtch
                                                                                      for(p = ptable.proc; p < &ptable.proc[NPROC]; p++){
  if(p->state != RUNNABLE)
  movl 4(%esp), %eax
   movl 8(%esp), %edx
   # Save old callee-saved registers
   pushl %ebp
   pushl %ebx
   pushl %esi
   pushl %edi
                                                                                         switchuvm(p);
   # Switch stacks
                                                                                         swtch[\![\&(c\text{->scheduler}), p\text{->context}]\!];
  movl %esp, (%eax)
movl %edx, %esp
                                                                                         switchkvm();
   # Load new callee-saved registers
   popl %edi
                                                                                        c \rightarrow proc = 0;
   popl %esi
  popl %ebx
popl %ebp
                                                                                      release(&ptable.lock);
```

محتوای ثبات های قبلی را در پشته ذخیره می کند و محتوای ثبات های جدید را از پشته به داخل ثبات ها می آورد.

سوال ۹

عملا دیگر وقفه در برنامه ریزی موثر نبود و اجرای برنامه ها به صورت FIFO انجام می شد و دیگر اشتراک زمانی در بین آنها نداشتیم.

Code: Interrupts

Devices on the motherboard can generate interrupts, and xv6 must set up the hardware to handle these interrupts. Devices usually interrupt in order to tell the kernel that some hardware event has occured, such as I/O completion. Interrupts are usually optional in the sense that the kernel could instead periodically check (or "poll") the device hardware to check for new events. Interrupts are preferable to polling if the events are relatively rare, so that polling would waste CPU time. Interrupt handling shares some of the code already needed for system calls and exceptions.

Interrupts are similar to system calls, except devices generate them at any time. There is hardware on the motherboard to signal the CPU when a device needs attention (e.g., the user has typed a character on the keyboard). We must program the device to generate an interrupt, and arrange that a CPU receives the interrupt.

Let's look at the timer device and timer interrupts. We would like the timer hardware to generate an interrupt, say, 100 times per second so that the kernel can track the passage of time and so the kernel can time-slice among multiple running processes. The choice of 100 times per second allows for decent interactive performance while not swamping the processor with handling interrupts.

پس با این شرایطی که در کتاب مرجع گفته شده هر ۱۰ میلی ثانیه یکبار timer interrupt صادر میشود.

سوال ۱۱

تابع trap این کار را انجام میدهد.

سوال ۱۲

Q = 10 millisecond

سوال ۱۳:

تابع wait در نهایت از تابع sleep استفاده میکند تا اجرای برنامه را تا زمان اتمام کار فرآیند فرزند متوقف کند. فرآیند والد، تابع sleep را فراخوانی میکند تا منتظر دریافت سیگنالی از فرزند باشد که نشاندهنده یایان کار آن است. این مکانیسم از انتظار مشغول (busy waiting) جلوگیری میکند، که در آن والد به طور مداوم وضعیت فرزند را بررسی میکند و باعث مصرف غیرضروری سیکلهای CPU میشود.

سوال ۱۴:

فراتر از استفاده آن در تابع wait، تابع sleep در سناریوهایی کاربرد دارد که یک فرآیند نیاز به توقف تا زمان برآورده شدن یک شرط خاص دارد. یکی از این موارد، هماهنگسازی خوانندهها و نویسندهها در pipe ها است. هنگامی که بافر pipe پر میشود، فرآیند نویسنده تابع sleep را فراخوانی میکند تا منتظر بماند تا یک خواننده مقداری از دادهها را مصرف کند و فضایی در بافر آزاد شود.

سوال ۱۵:

در کرنل xv6، تابعی که مسئول آگاهسازی یک فرآیند درباره رویدادی است که منتظر آن بوده، تابع wakeup است. هنگامی که event مورد انتظار رخ میدهد، تابع wakeup مربوطه فراخوانی میشود، فرآیند waiting را به عنوان RUNNABLE علامتگذاری میکند و به آن اجازه میدهد تا اجرای خود را از سر بگیرد.

سوال ۱۶:

برنامه را از وضعیت waiting به وضعیت ready منتقل میکند.

سوال ۱۷:

بله، تابع دیگری که میتواند باعث انتقال از حالت انتظار به حالت آماده شود، تابع yield است. یک فرآیند ممکن است داوطلبانه با استفاده از تابع yield، سی پی یو را رها کند. به عنوان مثال، فرآیندی که محاسبات طولانی انجام میدهد، میتواند به طور دورهای yield را فراخوانی کند تا به سایر فرآیندها اجازه اجرا دهد. این کار تخصیص عادلانه CPU را تضمین میکند و از انحصار پردازنده توسط یک فرآیند واحد جلوگیری میکند. تابع yield به طور موثر فرآیند را از حالت RUNNING به RUNNABLE منتقل میکند، که این امکان را فراهم میسازد تا بعداً دوباره زمانبندی شود.

سوال ۱۸:

در xv6، زمانی که یک فرآیند والد خاتمه مییابد و فرآیندهای فرزند خود را به عنوان یتیم باقی میگذارد، فرآیند init این فرآیندهای یتیم را به فرزندی میپذیرد. فرآیند init، که یک فرآیند ویژه سیستمی است، به صورت دورهای فراخوانی `wait` را انجام میدهد تا منابع این فرآیندهای یتیم (فرآیندهای زامبی) را پاکسازی کند. این اطمینان حاصل میشود که هیچ فرآیند زامبی به طور نامحدود در سیستم باقی نمیماند و از نشت منابع جلوگیری میشود.

پیاده سازی

تنظیم کوانتوم زمانی RR

بتدا برنامه ای می نویسم که یک فرزند ایجاد می کند و همروند با فرزند هردو نام خود را چاپ می کنند. واضح است که اگر کوانتوم زمانی بزرگ تر باشد تعداد چاپ ها در هر اسلایس بیشتر است حالا ابتدا برنامه را با همان حالت پیش فرض تست می کنیم بخشی از نتیجه به صورت زیر است:

ifndef CPUS

حال در تابع trap که با اتمام کوانتوم تعویض محتوا صورت می گیرد شرط می گذاریم که کوانتوم مضرب عددی باشد. این موضوع باعث می شود که کوانتوم ها به همان اندازه طولانی تر شوند. مثلا برای ۲۰ نتیجه به صورت زیر است:

```
103    trap(struct trapframe *tf)
103    // Force process to give up CPU on clock tick
104    // If interrupts were on while locks held, wo
105    if(myproc() && myproc()->state == RUNNING &&
106         tf->trapno == T_IRQ0+IRQ_TIMER)
107         if(ticks % 20 == 0)
108         yield();
```

حال طبق خواسته سوال كوانتوم را رو ۵ تنظيم مي كنيم.

سوال ۱۹

با انجام این تغییر برنامه روی ۲ هسته به صورت موازی اجرا می شود و این موضوع باعث می شود که عملا تفاوتی بین کوانتوم های مختلف نباشد زیرا پردازه پدر و فرزند موازی و در ۲ هسته اجرا می شوند. (حتی با تغییر کوانتوم به ۱ ثانیه هم تفاوتی مشاهده نمی شود.)

```
142 for parent
143 for parent
123 for child
124 for child
125 for child
126 for child
127 for child
128 for child
129 for child
130 for child
131 for child
132 for child
133 for child
134 for child
135 for child
136 for child
137 for child
138 for child
139 for child
```

140 for child 144 for parent 145 for parent

```
81 for child
82 foorr chiplad
83 rentfor chil
984 4f foor r parechintl
985 for child
586 for child
8 f7o rf opr cahirlentd
9f6 or cfhor ild
parent
899 7 for parenfort
 9c8h ilfod
r90 forp cahreinld
f9or9 chi for parent
9120 Ofo fro r cpahild
r93 fore nt
ch1i011d
 for parent
102 for 9p4a rfeonrt
103 fcohild
```

SJF

ابتدا احتمال و زمان پیش بینی شده را به ساختمان داده پردازه ها اضافه می کنیم و سیس در هنگام ساخت مقدار دهی اولیه می کنیم. همچنین وقفه های زمانی هم غیر فعال می کنیم چون دیگر در اینجا کاربرد ندارد. سیس در تابع برنامه ریزی ابتدا لازم است بر اساس زمان های اتمام پردازه ها را مرتب p->confidence = 50; کنیم. برای این کار تابع مرتب سازی را می نویسیم.

```
328
      void sort processes(void)
329
330
        struct proc *p;
331
        struct proc *arg min;
        for (p = ptable.proc; p < &ptable.proc[NPROC]; p++)</pre>
          if (p->state == SLEEPING)
            continue;
336
          arg min = p;
          for (struct proc *i = p + 1; i < &ptable.proc[NPROC]; i++)
338
            if (i->state == SLEEPING)
340
              continue;
341
            if (arg min->burst time > i->burst time && arg min->pid != i->pid)
342
343
              arg min = i;
344
345
346
          if (arg min != p)
347
348
            struct proc temp = *p;
            *p = *arg min;
            *arg min = temp;
352
```

allocproc(void)

p->state = EMBRY0; p->pid = nextpid++;

p->burst time = 2;

found:

حال اگر احتمال نداشتیم تنها کافی بود پیمایش کنیم و اولین پردازه را اجرا کنیم. ولی چون احتمال داریم بعد از پیدا کردن پردازه مربوطه عدد تصادفی ای ایجاد کرده و با احتمال مقایسه می کنیم اگر کمتر بود که پردازه اجرا مي شود ولي اگر نبود به سراغ پردازه بعدي مي رويم.

Fifo

در این قسمت همانند قسمت قبل نیازی به استفاده از yield نداریم و باید در ابتدای خلق پردازه زمان ورود را مقدار دهی کرده و در هر بار رفتن در تابع schedule بهترین کاندید برای اجرا (یعنی پردازه ای که کمترین زمان ورود را داراست) را پیدا کنیم و تا زمانی که exit نکند آن را اجرا میکنیم.

Aging

در این قسمت لازم هست هر پردازه ای که در استیت runnable هست در وقفه تایمر به اندازه یک واحد مسن شود این کار در تابع update_age

همچنین در موقع تغییر صف یک پردازه لازم است سن آن پردازه صفر شود

```
void
update_age(void)

struct proc *p;
acquire(&ptable.lock);
for(p = ptable.proc; p < &ptable.proc[NPROC]; p++)

{
    if(p->state != RUNNABLE || p->pid < 3){
        p->age = 0;
        continue;}
    p->age++;
}
release(&ptable.lock);

mvajhi, 22 hours ago * Added enter time
```

تغيير صف

در هر وقفه تایمر چک میکنیم هر پردازه ای که بیش از حد مسن بود را به صف بالاتر انتقال میدهیم.

لازم به ذکر است دو تابع فوق اول وقفه تایمر صدا زده میشوند.

```
void
update_queue_number(void)
{
   acquire(&ptable.lock);
   for (struct proc *p = ptable.proc; p < &ptable.proc[NPROC]; p++)
   {
      // TODO 80 -> 800
      if (p->queue_number == RR || p->age < 80 || p->pid < 3)
            continue;
      p->queue_number++;
      p->age = 0;
      p->enter_time = ticks;
      cprintf("Process %d moved to queue %d\n", p->pid, p->queue_number);
   }
   release(&ptable.lock);
}
```

تجميع

Time slicing

ابتدا به ساختمان داده cpu به ازای هر صف یک متغیر اضافه می کنیم که نشان دهنده زمان باقی مانده هست و هر کوانتوم زمانی خود را ۱۰۰ میلی ثانیه در نظر می گیریم و به ازای هر کوانتوم یکی واحد از زمان هر کدام را کم می کنیم. زمان ها هم طبق خواسته مسئله ۳،۲ و ۱ هست. در هر زمان که دیدیم زمان هر کدام هم تمام شده بعدی را مقدار دهی می کنیم و برای RR علاوه بر این کار پردازه در حال اجرا هم ذخیره می کنیم. همچنین در تابع برنامه ریزی هم نسبت به این که در کدام هستیم همان را برنامه ریزی می کنیم. کدام هستیم همان را برنامه ریزی می کنیم. نکته دیگر این که اگر در RR بودیم به ازای هر ۵ کوانتوم مجدد این که اگر در RR بودیم به ازای هر ۵ کوانتوم مجدد ایم.

```
mycpu()->ticks++;
                                           struct proc *RR proc;
int time = mycpu()->ticks;
if (time % 10 == 0)
                                           short RR;
                                           short SJF;
                                           short FCFS;
                                           short ticks;
       (mycpu() -> RR == 0)
                                  void scheduler(void)
  else if <mark>(mycpu()->SJF > 0)</mark>
    if (mycpu()->SJF == 0)
                                      acquire(&ptable.lock);
      mycpu()->FCFS = 1;
yield();
                                      handle change queue();
                                        RR_scheduler();
                                      else if (mycpu()->SJF > 0)
                                        SJF_scheduler();
                                      else if (mycpu()->FCFS > 0)
                                        FCFS scheduler():
      vield();
                                      release(&ptable.lock);
```

if (is empty)

if (queue == RR)

mycpu()->RR = 0; mycpu()->SJF = 2;

mycpu()->RR proc = ptable.proc;

هندل کردن اتمام زودتر از موعد

بعضی مواقع کار صف زودتر از موعد تمام می شود ولی نباید این زمان به صف بعدی داده شود برای هندل کردن این موضوع ما برای هر clock زمان سنج جدا گذاشتیم ولی در حالت عادی مانند ساعت اصلی افزایش می یابد ولی وقتی که وسط کار صف تمام می شود زمان آن صفر می شود که باقی مانده زمان به صفی نرسد یا از صفی زمانی کم نشود.

(mycpu()->RR = 0; mycpu()->SJF = 0; mycpu()->FCFS = 1; } else if (queue == FIF0) { mycpu()->RR = 3; mycpu()->SJF = 0; mycpu()->FCFS = 0; }

در main.c میتوان به ازای هر ویژگی ای که به پردازنده اضافه میشود میتوان در vm.c برای آن یک تابع مقدار دهی اولیه نوشت و آن را تعریف و در تابع main در فایل main.c آن را صدا زد.

ما برای جابه جایی بین صف ها از روش اسلایس زمان استفاده کردیم و این موضوع مشکل قحطی در روش هر یک از سطح ها را برطرف نمی کند. به همین علت ما از روش aging استفاده می کنیم و پردازه ها را به سطوح بالاتر می آوریم و در بالاترین سطح از RR استفاده می کنیم که مشکل قحطی را ندارد.

سوال ۲۲

زیرا پردازه در انتظار رویدادی هست و به خواست خود غیر فعال است و اصلا آمادگی اجرا را ندارد پس با بالا رفتن در سطح ها تفاوتی برای آن رخ نمی دهد.